نسبت دخول شهر تکوینی و گزینه های ثبوتی

شاگرد: در تدریج در فعلیت بین قم و کابل را می‌فرمایید، یکی از گزینه‌ها را گرفته‌اید که اهلال هلال لدی الغروب است. این اتفاق لازم نیست حتماً بین قم ای کابل باشد، بلکه ممکن است بین مشهد و کابل هم بیافتد. لذا این جور که شد شاید باید سراغ گزینه ثبوتی دیگری بروید که اشتراک در آفاق باشد. می‌گویید بالأخره در شبت داشتید و آن هم داشته فردا را همه بگیرید.

استاد: یک نکته کوتاه بگویم بقیه برای جلسه بعد؛ حتی یک روایت ندارید که بگوید اگر بلد شرقی بود، رؤیت در بلد غربی برای شرقی کافی نیست. اینها بعداً در کتب فقهی آمده است. روی اعتباراتی که علماء فرموده‌اند آمده است. فقهاء مطرح کرده‌اند. این نکته‌ای است؛ یک روایت ندارید که شما بگویید این خلاف میقاتیت است. فعلاً میقاتیت را با این توجیه کردید. بلکه مقابلش روایت دارید؛ اگر یک بلدی شهادت دادند شما هم قضا کنید. پس این معلوم باشد که ما از ادله اثباتیه شرعیه این را نیاوردیم، روی حساب اعتبار هلال در وقت غروب آوردیم. مرحوم شیخ الطائفه در جواب روایات زوال چه گفتند؟ چرا دو روایت عبیدی و حماد که حضرت فرمودند «اذا رئی قبل الزوال» مُجزی است، مرحوم شیخ الطائفه فرمودند این دو روایت قبول نیست؟ همان سبب اعراضی که دیروز صحبتش کردیم. فرمودند چون خلاف ظاهر قرآن و روایات متواتره است. اینکه حضرت فرمودند «اذا رئی قبل الزوال» هم خلاف ظاهر قرآن است. قرآن چه بود؟ «قل هی مواقیت للناس».

شاگرد: «اتموا الصیام الی اللیل».

استاد: نه، برای ماه چیست؟ منظور اینکه میقاتی که شما می‌فرمایید، در روایت بحثش شد. معلوم باشد که شارع چطور به مقاتیت خودش می‌رسد.

شاگرد۲: قبلاً سه زمانیکه مطابق نمی‌شوند را می‌آوردیم، بعد میقاتیت را هم می‌آوردیم، بعد به نصف النهار مبداء می‌رسیدیم. الآن همین مقدمات را می‌آوردی و به چند گزینه ثبوتی می‌رسید. چرا در آن فضا به آن نتیجه می‌رسیم ولی در...

استاد: اتفاقا چون به گزینه‌های ثبوتی رسیدیم، بعد از سر ناچاری سراغ یک نصف النهار رفتیم. یعنی به جای رسیدیم که دیدیم محال است به‌عنوان یک تقویم برویم مگر اینکه یک نصف النهار قرار بدهیم. و الاّ اولش به گزینه‌ها رسیدیم. این فعلاً برای جمع کافی بود.

شاگرد۲: یعنی این نصف النهار مبداء برای اصل دخول شهر است و گزینه‌های ثبوتی برای برچسب زدن روز است؟

استاد: نه، گزینه‌های ثبوتی برای برچسب زدن است، یکی از طرق برچسب زدن قراردادن یک نصف النهار خاص است.

شاگرد۲: یعنی نصف النهار برای اصل کلی شهر است یا برای روز است؟

استاد: برای برچسب زدن کره است.

شاگرد۲: روز اول کره یا اصل شهر که آثار تکوینی دارد؟

استاد: آثار تکوینی آنکه جای خودش است. حتی الآن کافی است؛ اگر نصف النهار تکوینی داریم، تکوینی تابع آن است. ما هم به‌دنبال همین رفتیم. اگر فرض گرفتیم که نصف النهار تکوینی نداریم؛ مثلاً همین گرینویچ؛ حتی یکی از آقایان نجف که کتاب نوشتند به نظرم همین گرینویچ را قرار می‌دهد؛ می‌گوید همین که هست؛ حالا همین باشد. یعنی اصلاً سراغ تکوینش نرفته است. حالا اگر یک نصف النهار قراردادی کردیم، کار ما برای یک غرض در می‌رود. آن غرض چیست؟ اینکه کل کره را به‌عنوان یک واحد، تقویم جهانی برای همه اش قرار بدهیم. این یکی از طرق ثبوتی است. طرق ثبوتی داریم برای برچسب زنی. یکی از آنها قراردادکردن یک نصف النهار خاص است، برای چه مقصودی؟ برای مقصود جهانی‌بودن تقویم. جهانی‌بودن ساعت.

شاگرد۲: پس نصف النهار مبداء در عرض طرق ثبوتی است؟

استاد: بله.

شاگرد۲: اگر به آن قائل شدیم گزینه‌های دیگر را کنار می‌گذاریم؟

استاد: نه، آنها باز فعال است. ولذا با اینکه امام علیه‌السلام آن گزینه را فرمودند، این راه هم گفته است. اگر مطلب را تصور کنید آن را برای وقت حاجت می‌گذارد. خیلی از وقت ها هست که اصلاً حاجت متشرعه تقویم جهانی نبوده است. چون طرق دارد انجام می‌شود و شارع هم به مقصود خودش می‌رسد. اما گاهی در یک شرائطی عرف عام کل کره احساس نیاز می‌کنند به تقویم جهانی. آن وقت می‌بینند در منابع شرعیه راه روشنی گذاشته‌اند. یعنی شما با قراردادن یک نصف النهار به این مقصود برسید. این مقصود چیست؟ یکی از آن طرق ثبوتی برای برچسب زنی است.

شاگرد۲: سؤال اول من دوباره به وجود می‌آید که پس این آثار تکوینی چه زمانی می‌آید؟ اگر نصف النهار مبداء خودش یک گزینه است که مالک آثار تکوینی نیست....

استاد: ببینید قرار شد آثار تکوینی از لحظه بیاید.

شاگرد۲: از چه لحظه‌ای؟ مشخص نیست.

شاگرد: اهلال هلال ثبوتی که برای ما مشخص نشد.

استاد: ما که کاری نداریم. فی علم الله مشخص است.

شاگرد: ایشان می‌گویند برای ما که مشخص نمی‌شود.

شاگرد۲: اهلال هلال برای کجا؟

استاد: مفصل از اینها صحبت شد. ببینید اهلال هلال فی علم الله مشخص است. چون زمان متصرم و سیال است، نمی‌شود در یک آن چیزی نشده باشد یا شده باشد. در یک لحظه دخول شهر است. بگوییم در این لحظه نه شهر داخل شده و نه نشده! بلکه چون متصرم است لحظه‌ای می‌رسد که دخول شهر است. فرض ما فی علم الله است. شما می‌گویید ضابطش چیست؟ اگر بگوییم ضابطش رؤیت هلال است، بالدقه وقتی چشم ما که هلال را می‌بیند کاشف از دخول شهر است. نه خود لحظه دخول. وقتی هم فکرش را کنیم باز می‌بینیم وقتی چشم ما هلال را می‌بیند خیلی عقب‌تر از علم خدا هستیم. یعنی ما که چشم ما می‌بیند، خدا می‌داند این هلالی که الآن می‌بینی، چه لحظه‌ای قابلیتش تام شده بود که سبب می‌شد در علم من شهر داخل شده باشد و آثار تکوینی بر آن بار شده. بنابراین چون دخول شهر فی علم الله تعالی پیکره زمانی دارد، یک لحظه است. آن لحظه دخول شهر را می‌آورد. آثار تکوینی هم می‌آید. خب این آثار تکوینی خودش را در کل بقاع چطور نشان می‌دهد؟ آن به تدریج فعلیت تشریعی و تدریج فعلیت تکوینی است. در خیلی از چیزها تکوینی هست. وقتی نور خورشید می‌تابد، پخش شدنش برای کره زمین به چه صورت است؟ وقتی می‌خواهد بیاید، مراحلی طی می‌شود. اول هوا نیمه روشن می‌شود و بعد طلوع می‌کند. به‌خاطر جو و اینها، یعنی بسط نور خورشید بر شهر مقدس قم، لحظه‌ای نیست. حرکت شمس در مدار خودش لحظه‌ای است، آن لحظه به لحظه جلو می‌رود. فی علم الله هم آن لحاظات معلوم است. اما وقتی می‌خواهد نورش بسط پیدا کند، حتی تکوینا در شهر قم لحظه‌ای نیست. کم‌کم هوا روشن می‌شود. حتی نور بین الطلوعین هم برای خودش آثار و خواصی دارد. این آثار و خواص متفرع بر خورشید است. اما باز نور مستقیم شمس چیز دیگری است.

بنابراین آن لحظه فی علم الله تعالی لحظه تکوینی است که ماه با آثار و خواصش شروع می‌شود. اما بسط احکام شرعی و احکامی که مربوط به تکوین کل بقعة بتمامها می‌شود، به تدریج بسط پیدا می‌کند. و این تدریج، کار عالَم خَلق است؛ درجایی‌که بُعد چهارم در آن دخالت دارد. می‌گویند در فصل و وصل بُعد چهارم دخالت ندارد. چون فصل و وصل در آن واقع می‌شود و آن زمان نیست، بلکه طرف الزمان است. اما تأثیر گذاری مثلاً خورشید روی شهر مقدس قم، در زمان است. نه در یک فصل و وصل که یک آن باشد.

شاگرد: «غلّت مردة الشیاطین» تدریجی نیست؟

استاد: بسط آن هم می‌تواند باشد. ما طبق ارتکاز هیچ مشکلی در آن هم نداریم. اینکه می‌گوییم لحظه‌ای است، برای شروع تکوینی اش است. و الاّ بسط آن بعد از شروع لحظه‌ای، تکوینی باشد، مشکلی نیست. مثلاً می‌گوییم الآن در قم غروب شد، غلت مردة الشیاطین که شب قم شروع شده. اما هنوز در بغداد آفتاب طالع است، هنوز شب نشده، لذا هنوز «غلت مردة الشیاطین» برای آنها بالفعل نشده است.

شاگرد۲: قبلاً شما به‌شدت با این برداشت مخالف بودید.

استاد: من از تکوینیات برای تشحیذ ارتکاز استفاده می‌کردم. نه برای در مطلق قول مشهور. یعنی الآن هم عرض می‌کنم ارتکاز مردم در این نیست که «غلت مردة الشیاطین» در قم شده و در نجف نشده. پس باید فکری بکنیم. اما کسانی که تا آخر محکم سر این مایستند و می‌گویند مشهور غروب است و دخول شهر هم همین است، قرار نیست او باقی بیاورد. من این را عرض می‌کردم تا ببینید ارتکاز شما کدام است. الآن هم مراجعه کنید. می‌بینید که یک لحظه است. اما کسی که محکم حرفش آن است می‌گوید مانعی ندارد، هر کجا غروبشان است، برای آنها «غلت» صدق می‌کند. لذا برای تقویت ارتکاز گفتم وقتی به قطب شمال بروید که همیشه روز است، خب ماه مبارک برای آنها داخل می‌شود یا نه؟ «غلت مردة الشیاطین» می‌شود یا نه؟ آنها که غروب ندارند که بگویید لحظه غروب. اینها باز تأیید آن ارتکاز بود تا دست برداریم از اینکه چون وقت غروب است دارد تکوین می‌شود. و الاّ من منظورم در مطلق اینها نبود. و الاّ همه علماء «غلت» را هر سال می‌خوانند

و خودشان این روایات را به ما یاد دادند.

شاگرد: پس طبق فعلیت ِتدریجی به هر نسبت که اهلال هلال بشود به همان نسبت هم غلّت مردة الشیاطین برایشان بالفعل می شود. الان شما این را تأیید می فرمایید؟

استاد: کسی که این مبنا را قائل باشد اینطوری معنا می کند و مشکلی ندارد بسط تکوینی است حال تصریحاً هم گفته باشند نمی دانم به گمانم گفته باشند

شاگرد: همان که می گویند شب قدر نوعی است؟

استاد: نه در نوعی بودن شرایط سخت تر است. در نوعی بودن شب قدر که هر بقاعی برای خودش، می شود بی نهایت و مشکلاتی که خلاف ارتکاز است. الان اگر در شب غلّت مردة الشیاطین بشود آیا بالدقه شرق قم زودتر غروب میشود یا غرب قم؟ شرق زودتر می شود ولو چند ثانیه پس باید آنجا غلّت بشود ولی هنوز طرف غرب نشده پس می شود بی نهایت غلّت، اینها اشکالات این مبناست ولی با همین تقریری که عرض کردم آنها سر می رسانند ولی این غیر از نوعیت است چون نوعیت ِآنها فوقش سه تا است ولی در اینجا بی نهایت می شود.

شاگرد: فرمودید نسبت به حاجت متشرعه فرق می کند و حاجت متشرعه در میقاتیت تأثیر دارد؛ یک زمانی می تواند حاجت این باشد که چندتا میقات باشد ولی در زمانی این حاجت در یک فرد می باشد

استاد: بله گاهی شارع با همان میقات های بخشی به مقصود خودش می رسد و گاهی ارتباطات به نحوی زیاد می شود که متشرعه نمی رسند به مقاصد خودشان از میقاتیت بلکه حتما باید میقات شخصی باشد؛ در اینجا هم باز شارع بیان کرده و راه را برایشان باز گذاشته که با استنداد به ادله شرعی مثل روایت عبدی آن را تنظیم کنند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #4
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 07:58:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 مارس 2026 16:29:12 توسط ... .